



مروری بر تاریخ رسانه‌ها در ایران

رجبعلی لباف*

● جایگاه و اهمیت «خبر» باعث شده است که افسانه‌های اسطوره‌ای متعددی نیز، در این رهگذر ساخته و پرداخته شوند و «پیک» و «قاصد»‌هایی در هیئت فرشته، انسان، حیوان، ابریا توفان از سویی به سویی فرستاده شوند و حامل الهامها و آمال و آرزوهای بشر باشند.

شواهدی یافته‌اند که از حدود ده هزار سال، شیوه فرستادن و گرفتن خبر را تا حدودی روشن می‌کنند.

به اعتقاد باستانشناسان، در دوره

«نئولیتیک» شکارچیان به دنبال شکار به نقاط دور دست می‌رفتند و بر سر راه خود با قبایل برخورد می‌کردند و در این گیرودار با آنان به مبادله خبر می‌پرداختند^(۸). در دوره‌های بعد، پس از رواج کشاورزی و رونق تجارت، بازرگانان ضمن حمل و نقل کسلا، نقش رسانه را نیز به عهده داشتند^(۹). در ایران سابقه مبادله خبر، بسیار زیاد است و قدیمیترین مخبران باید شرایط خاصی را می‌داشتند. مثلاً بر روی مهری که برای «برید» و «پیام» ساخته شده بود، به فرمان تهمورث کلمه «راستی و درستی» حک شده بود.

«رسانه‌ها» در ایران قدیم، انواع مختلفی داشتند. یا شعله‌های آتش بودند که به منظور رساندن خبری بر افروخته می‌شدند، یا اصواتی بودند که از منادی و جارچی و نقاره و طبل به گوش خلائق می‌رسیدند، یا پرندگان سبکالی بودند که پیک شادی و غم می‌شدند، و یا افراد بادپایی بودند که با استقامت و صبر، کوه و بیابان را در می‌نوردیدند و نامه‌های و خبری و پیامی را از جایی به جایی می‌بردند.

○ آتش

آریاها در هر جا که بومیان پیروز می‌شدند، قلعه‌ای می‌ساختند و آن را به دو قسمت تقسیم می‌کردند. در یک قسمت خانواده‌ها ساکن می‌شدند و در قسمت دیگر که در واقع دژ قلعه بود، «آتشی» بر می‌افروختند تا در صورت شبیخون بومیان، پاسبانان آتش را تیزتر کنند. به این ترتیب مردان آریایی از حمله آگاه می‌شدند و بومیان را از قلعه می‌رانند^(۱۱).

در زمان هخامنشیان نیز استفاده از آتش جهت خبر رسانی رایج بوده است. در آن دوران وقتی می‌خواستند که خبری زود به مقصد برسد، آتشیهای بر سر بلندی روشن می‌کردند. هرودت می‌گوید: «چون مردونیوس آتن را گرفت، با آتش خشیار شاه را که در سارد بود، آگاه ساخت»^(۱۲).

امروز ما بر کناره راههایی که از قدیم الایام از دشتها می‌گذشته‌اند، تپه‌های خاکی بلندی مشاهده می‌کنیم. این تپه‌ها که عمدتاً با انباشتن خاک ایجاد شده‌اند، به «تپه تلگرافی» معروفند و صرفاً جهت بر افروختن آتش و رساندن اخبار مهم از شهری به شهر دیگر ایجاد شده بودند. بر روی این تپه‌ها همیشه قراولانی بودند که چون در دور دست بر روی تپه‌ای، شعله آتشی می‌دیدند که به صورت علامت خاصی به حرکت در می‌آمد، آنها نیز مشعل فروزان خود را، به همان علامت برای قراولان بعدی حرکت می‌دادند. به این طریق علایمی که مفهوم خاصی داشتند، در مدت کوتاهی از شهری به شهر دیگر

عیسی بشارت داد^(۱۳). و آیات الهی را در قالب «پیام» به انبیاء کرام رسانید تا مژده دهنده و بیم‌دهنده در میان مردم داوری کنند^(۱۴).

جایگاه و اهمیت «خبر» باعث شده است که افسانه‌های اسطوره‌ای متعددی نیز، در این رهگذر ساخته و پرداخته شوند و «بیک» و «قاصد»هایی در هیئت فرشته، انان، حیوان ابر یا طوفان از سویی به سویی فرستاده شوند و حامل الهامها و آمال و آرزوهای بشر باشند:

چون «انمر کار» فرزند «آتسو» خدای خورشید، بر آن شد که «ارتا» را به زیر سلطه خود آورد، به نزد خواهرش «اینانا» الهه عشق و جنگ، به التماس پرداخت و از او خواست تا مردم ارتا را وادار سازد که سیم و زر و سنگ لاچورد و سنگهای قیمتی برای او بیاورند و معبد و مزار بنا کنند. اینانا درخواست برادرش را پذیرفت و به او توصیه کرد تا «فرستاده»ای کارآموده را برای گذشتن از کوههای با عظمت «اشنان» که ارتا را از «لروک» جدا می‌کند، برگزیند... «قاصد» انمر کار پس از عبور از هفت کوه به ارتا رسید و «پیام» خواهش را ابلاغ کرد...^(۱۵)

در باور ایرانیان قدیم «امشاسپندان» هفت فرشته بودند که هر یک مظهري از اهورامزدا و پیکهای او بر روی زمین بودند و به هر یک از آنها پاسبانی و حفظ قسمتی از عالم سپرده شده، تا تحت امر خالق عالم به کار پردازند^(۱۶). زال هم با سوزاندن پر سیمرغ «خبر» گرفتاریهای خود را به او می‌رسانید^(۱۷). گذشته از جنبه‌های افسانه‌ای این قصه‌ها، دانشمندان و باستانشناسان در تحقیقات خود

● در انقلاب فرانسه بخش بزرگی از اخبار روزنامه‌ها را کبوتران جمع‌آوری می‌کردند و در سال ۱۸۴۹ میلادی در پی آسیبی که به خط تلگراف میان برلن و بروکسل وارد آمد، مسئولیت رساندن خبرهای فوری به عهده کبوتران گذاشته شد.

ز آن زمان که بشر پا به عرصه وجود شت، پدیده خبررسانی و انتقال و مبادله نیز شکل گرفت. و همزمان با رشد و مل جامعه‌های انسانی، وسیله‌های رسانی نیز از حالت اولیه و ابتدایی مدند و تغییر پیدا کردند.

عظایی که می‌خوانید، پاسخی است به این ال که «انسانهای اولیه تا عصر ماشین، رها و پیامهای خود را به چه طریقه و با م وسیله به یکدیگر می‌رساندند؟» در این نوشته، سیر تاریخی پیامرسانی و وه‌های فرستادن خبر و انواع رسانه‌ها- ژه در ایران- بررسی شده است.

نسان موجودی اجتماعی و متفکر است و زاره مصلحت خویش را در رابطه با مصالح و زارادهای اجتماعی جستجو و ارزیابی کند. بدیهی است که مصلحت‌جویی انسان صورتی مفید فایده خواهد بود که مبتنی بر غ و آگاهی از اوضاع و شرایط جامعه باشد. ان کنجکاو از ابتدای خلقت خویش همواره سد آگاهی از محیط زیست و کسب اطلاعات بهامهای عالم پر رمز و راز هستی و شناخت یوعانش بوده است، همنوعانی که خداوند را شعبه شعبه و قبیله قبیله بر روی زمین داده است^(۱). «شناخت» و «معرفت» آن قدر دنیاز انسان بوده است که «آدم» نخستین ن روی زمین، خود «پیامبر» از جانب وند برای زمینیان است تا با تکیه بر رسالتش خگوی پرششهای نسل خویش باشد^(۲). بیل نیز فرشته‌ای است که دستوره‌های الهی «پیامبران» ابلاغ می‌کرده است و هموست زکریا را به ولادت یحیی و مریم را به ولادت

سابقه تاریخی پیک بیش از مگر رسانه‌ها است، زیرا ه‌هایی مثل پیک خورشید بر از قدمتی دیرینه می‌دهد ر قلمرو اساطیر، افسانه‌های اوانی است که پیکها واسطه رستادن پیامهای نویدبخش شدار دهنده بین بازیگران افسانه‌ها هستند و یا خبری وهبتی را از جهانی به جهان مگر می‌برند.

در برخی از مسیرها هم به جای تپه‌ها، برجهای بلندی می‌ساختند که هم نقش راهنمای مسافران را داشتند و هم برای خبررسانی با آتش مورد استفاده قرار می‌گرفتند. از برخی از این برجها به‌عنوان برجهای «خبررسانی» یاد کرده‌اند (۱۴). ظاهراً همین برجها بوده‌اند که در زبان عربی به «مناره» (موضع نور) ترجمه شده‌اند (۱۵). از عجایب ساختمانهای جهان باستان، مناره اسکندریه بوده است که «ذوالقرنین آن را بنا کرده، بر روی آن آیینی چینی نهاده و طلسمی در آن ساخته که هر چه در روی دریا ظاهر شود، از یک ماهه راه کم و بیش جمله در آن پیدا باشد» (۱۶). و بدین وسیله حمله و هجوم بیگانه را پیشاپیش به اسکندر خبر دهد. جالب اینجاست که دشمن را هم به وسیله همین مناره دفع می‌کردند. به این طریق که «اگر دشمن قصد اسکندریه کردی، چون به نزدیک رسیدی، به وقت غروب آفتاب آیین مناره را در مقابل آن کشتی داشتندی و شعاع آن بر او افتادی، جمله بسوختی و آن را دفع نمودی و اهل روم چون قصد اسکندریه کردند، جمله بسوختندی» (۱۷).

در دوران اسلامی در کنار مسجدها، مناره نیز ساخته می‌شد که آن هم نقش پیام‌رسانی را به عهده داشت. به این معنی که مؤذن بر آن اذان می‌گفت و در واقع وقت نماز را به مردم خبر می‌داد. به همین علت به آنها مأذنه نیز می‌گفتند. مناره مسجد دمشق و مناره مسجد شوش که در قرن اول هجری ساخته شده‌اند، از اولین مناره‌های دوران اسلامی به‌شمار می‌روند (۱۸).

● **طبل زنی: طبل یکی دیگر از ابزارهایی است که از صدای آن برای خبررسانی استفاده می‌شده است. ظاهراً در اوایل اسلام، طبل را در لشکرگاهها و برای فرستادن پیام فرماندهان به سپاهیان می‌زدند.**

کامل بن اثیر نوعی از آن را «طبل بیداری» نامیده است.

صوت

خبررسانی با کمک صوت به چند طریق انجام می‌گرفت. یا منادی و جارچی و مؤذن فریاد بر می‌آوردند و اخبار و فرمانها را به مردم و ابلاغ می‌کردند و یا نقاره و طبل و شیپور به صدا در می‌آوردند تا قصد و عزمی را به گوش خلائق برسانند.

الف) منادیان: منادیان مردانی بودند که بر جایگاه بلندی به نام «منادی‌گاه» می‌ایستادند و با صدای بلند فرمانهای پادشاهان و یا اخبار را

به اطلاع مردم می‌رساندند. با بررسی متون می‌توان گفت که منادی هر شهر اخبار و وقایع و دستورها را مربوط به همان شهر را ندا می‌کرده است: «منادی کردند در شهر که در سرای هر که او را بیابند خداوند سرای را به دو نیم زنند» (تاریخ بیهقی)، «متوکل فرمود که در شهر منادی کنید که آن مرد که نان در دجله افکند کیست و بگویند تا بیاید که امیر المؤمنین با او نیکویی خواهد کرد و چنین منادی کردند» (قابوس نامه)، «هفت روز منادی همی کنند که بعد از این، هر که ستم کند با آن کس همان کنند» (سیاست‌نامه)، «منادی در شهر دادند که هر کس قاعده خود ممه‌د [کذا] دارد

● **رسانه‌ها در ایران قدیم انواع مختلفی داشتند. یا شعله‌های آتش بودند که به منظور رساندن خبری بر افروخته می‌شدند یا اصواتی بودند که از منادی و جارچی و نقاره و طبل به گوش خلائق می‌رسیدند، یا پرندگان سبکبالی بودند که پیک شادی و غم می‌شدند و یا افراد بادپایی بودند که با استقامت و صبر، کوه و بیابان را در می‌نوردیدند و نامه‌های خبری و پیامی را از جایی به جای دیگر می‌بردند.**

و بر کیش خود رود» (جهانگشای جوینی) (۱۹).
ب) جارچی: جارچی منادی بود که معمولاً در میدانهای جنگ میان سپاهیان می‌گشت و دستورها و فرمانهای فرماندهان را به افراد می‌رساند (۲۰). سابقه جارچی به دوران هخامنشیان می‌رسد. در آن زمان وظیفه جارچیان بود که مقررات کشوری را به اطلاع مردم برسانند (۲۱). در دوره صفویه جارچیان جماعتی از مستخدمان دیوان بودند که تحت نظر وزیر سردار غلامان انجام وظیفه می‌کردند (۲۲).

ج) مؤذن: اذان، شعار انقلابی اسلام بود که اولین بار بلال حبشی آن را فریاد کرد و مسلمانان را به اقامه نماز فرا خواند. این شعار در تاریخ اسلام بر مأذنه‌ها هر روز اوقات نماز را به مسلمانان خبر می‌داد. گاه غیر از وقت معمول و به منظور دادن خبری مهم نیز مؤذن اذان می‌گفت که به اذان بی محل یا اذان بسی وقت معروف بود. هنوز در برخی از روستاها، خبر تولد نوزاد یا وقوع اتفاق مهمی را با اذان بی محل به اطلاع مردم می‌رسانند.

د) نقاره: نقاره مجموعه‌ای از ابزار و آلاتی بود که در اوقاتی معین و به منظور انتشار خبری خاص نواخته می‌شد. نقاره زنی که در آغاز

به «نوبت نوازی» معروف بود، سابقه دیرینه دارد. برخی پیشینه آن را به دوران اساطیر و زما جمشید پیشدادی رسانده‌اند. نظامی گنجوی، همین باور گفته است:

چار بالش نهاد چون خورشید
پنج نوبت نواخت چون جمشید

و برخی چون ابو الحسن فراهانی اسکندر واضع نوبت نوازی دانسته‌اند. اسباب نوبت نواز: عبارت بودند از کرنا، کوس، دهل، سرنا، نفیر، سنج، گورگه، دمامه، نی، ناقوس و شیپور. تعداد نقاره‌چیان نیز از بیست نفر بیشتر بود.

در ایران باستان به مناسبت‌هایی گاه یکی اسباب نوبت نوازی را به تنهایی می‌نواختند. جمله کوس و کرنا و دهل، خبر از وقوع جنگ و آماده باش سپاهیان می‌داد و شیپور به نشانه حرکت و عزیمت لشکر به صدا در می‌آمد. گزنفون در کتاب تربیت کورش می‌گوید «کورش برای حرکت سپاه دستور داد که صدای شیپور نشانه عزیمت خواهد بود و همین که صدای شیپور بلند شد، باید همه سربازان آماده باشند و حرکت کنند.»

ایرانیان در زمان هخامنشی طلوع و غروب خورشید را بناوختن اسباب نوبت نوازی آگاه می‌دادند. در دوره اشکانیان نیز از ابزار و آلات موسیقی برای فرستادن خبر استفاده می‌شد. در زمان ساسانیان هم نوبت نوازی وزن کوس و کرنا و شیپور رواج فراوان داشت و اخبار پیروز یا طلوع و غروب خورشید را بدین وسیله به اطلاع مردم می‌رساندند. بر روی یک جام نقره‌ای متعلق به دوره ساسانی، دژی به تصویر درآمده است که هفت تن در درون آن ایستاده کور می‌نوازند و خبر از فتح دژ می‌دهند.

مسلمانان در آغاز از نواختن نقاره‌ها یا داشتند گویا در زمان دیلمیان بسود که نقاره‌زن یا نوبت‌نوازی دوباره رایج شد. در آن زمان نقاره صرفاً برای رساندن خبر وقت نماز و فرارسیدن افطار و اذان صبح در ماه رمضان زده می‌شد. اما حدود قرن چهارم هجری نقاره‌زنی متداول و «کوسات» معروف شد. در زمان سلجوقیان سلطان سنجر دستور داد که نقاره‌رادر پنج نوبت بزنند. درباره انگیزه این دستور گفته‌اند که دشمنان سنجر، جادوگران را برای کشتن نشانده بودند که سحر و جادو می‌کردند و سلطان روز به روز رنجورتر می‌شد. دانایا گفتند: نابهنگام باید نوبت‌زدن و آواز د انداختن که سلطان در گذشت و دیگری بر تخت نشست و چنان کردند، چون جادوگران شنیدند دست از کار کشیدند و سلطان بهبود یافت و زد. نوبت پنجم را به فال نیک گرفت و آن را همچنان نگاه داشت و از آن پس در تخت‌گاه پنج نوبت و در شهرهای دیگر روزانه سه نوبت زدند.

از اوایل قرن پنجم هجری، واژه «نقاره‌زنی مترادف «نوبت‌زنی»، در ادبیات راه پیدا کرد و از سده دهم هجری مشخصاً عنوان نقاره‌زن معمول شد. در دوره صفویه شاید بیش از پیش از نقاره برای خبررسانی استفاده می‌شد نقاره



نقاره‌چیان از عز و حرمت فراوان برخوردار شدند و محدوده کاربرد آن بیش از پیش وسعت یافته بود. در آن دوران، نقاره را به منظورهای متعددی می‌نواختند که بیشتر هدف نوازنده، ساندن خبر به گوش خلیق بود. بابررسی هم آرای عباسی و دیگر متنها می‌توان به بعضی آن منظورها پی برد.

۱) خبربازگشت پیروزمندانه از جنگ: «قاصد جسته پیام رسیده، مزده فرح بخش ورود کب ظفر فرجام رسانیده، غلغله مسرت سادمانی به اوج آسمان رسیده «نقاره» های دیانه به نوازش درآوردند.»

۲) خبردادن مردم از جلوس پادشاه به تخت سلطنت: «عمله بیوات پادشاهی بارخانه‌ها را داخته رفتند، عمله نقاره‌خانه کرنا و نقاره‌های پادشاهی را برداشته به شهر بردند و در آنجا به نامی حضرت علی (ع) به نوازش برآورده بلند آواز گردانیدند»، «بر تخت سلطنت جلوس کرد نقاره‌های شادمانی به اسم او به نوازش آمد.»

۳) خبرزاده شدن شاهزادگان.

۴) خبرپیشواز شاه.

۵) خبرطلوع و غروب خورشید.

۶) خبر به پایان رسیدن وقت نماز عشا.

۷) خبر وقت افطار در ماه رمضان.

۸) خبر وقت اذان صبح در ماه رمضان.

انتشار خبربایکم نقاره‌زنی در دوره نادری ندیه نیز ادامه یافت و تا زمان حاضر نیز ادامه دارد. اینک نقاره‌چیهای صحن مطهر حضرت شاه (ع) به وقت طلوع و غروب آفتاب، خبر دیگری تمام شدن وقت و قضاوت نماز صبح و عصر را به آگاهی مردم می‌رسانند و روزهای عید به نشانه شادی و سرور نقاره را صدا در می‌آورند. (۲۳)

طبل زنی: طبل یکی دیگر از ابزارهایی است که از صدای آن، برای خبررسانی استفاده شده است. ظاهراً در اوایل اسلام، طبل را در مگر گاهها و برای فرستادن پیام فرماندهان به پاهیان می‌زدند کامل ابن‌انیر نوعی از آن را «طبل بیداری» نامیده و گفته است: «شبی منقبن قیس با یاران خود تا حدود لشکریان افغان پیش آمد و صبر کرد تا نزدیکی صبح و آری از لشکریان ترک برآمد که «طبل بیداری» بگوید، احنف از کمینگاه به او حمله کرد و باهم به زدو خورد پرداختند» (۲۴). احتمالاً در اوایل اسلام و زمانی که نقاره‌زنی مجاز نبود، طبل در پیشگاه خلفا برای خبردادن اوقات نماز طبل می‌کوفتند و به مرور زدن طبل برای بیعت و امیران سپاه نیز در اوقات سه‌گانه نماز یاد شد. در زمان معزالدوله دیلمی، در نزدیکی برای او چند خیمه برای طبل‌داران برپا شد و در اوقات سه‌گانه نماز طبل می‌زدند (۲۵). پادشاهان علی‌اکبر دهخدا انواع طبل را به تنضای پیام و خبری که می‌داده‌اند در لغت‌نامه م برده که از آن جمله‌اند: «طبل جنگ طلبی» «طبل آغاز جنگ را می‌داده است و «طبل

با ارتش ایران به وسیله «کبوتران قاصد» ارتباط داشته‌اند و اخبار پیروزی یونانیان قدیم را کبوتران به شهرهای مختلف می‌رساندند. رومیان هم کبوتران را برای فرستادن پیامهای نظامی به کار می‌بردند. استفاده رومیان از کبوتر منحصر به فرستادن پیامهای نظامی نبود، بلکه اخبار دیگری را هم به وسیله این پرنده به نقاط دور دست می‌فرستادند.

ظاهراً از رومیان نخستین کسی که کبوتر را برای پیام‌رسانی برگزید، یکی از قهرمانان جزیره «ایجنی» بود که کبوتری را با خود به مرکز بازیهای المپیک رُم برد و وقتی بر حریفان خود پیروز شد، شاخه‌ای از گیاه «ارغوان» به گردن او آویخت و او را رها کرد تا خبر پیروزی را به خانواده‌اش اطلاع دهد. آنتونیوس هنگام محاصره «مسورینا» در سال سی پیش از میلاد مسیح، برای رییس خود نامه‌ای فرستاد که بر گردن کبوتری آویخته شده بود. او نیز پاسخ نامه را به پای همان کبوتر آویخت و او را نزد آنتونیوس بازگردانید.

چینیها نیز در قرن هفتم میلادی از کبوتران قاصد استفاده می‌کردند (۲۶).

توجه مسلمانان به استفاده از «کبوتران پیام‌بر» کمتر از توجه ایشان به «برید» زمینی نبود. در ایران که پیش از اسلام نیز استفاده از کبوتر رواج داشت، بعد از اسلام هم از این حیوان به عنوان یک رسانه مناسب استفاده می‌شد (۲۷). در دوران اسلامی گویا نخستین بار در «موصل» کبوتران را برای رساندن نامه به کار گرفتند، سپس در مصر به روزگار فاطمیان و عباسیان در فاصله میان اسکندریه و شهر بغداد، مبادله خبر پیوسته به وسیله کبوتران انجام می‌شد و کبوتری که بیش از همه معروفیت داشت «کبوتر حلب» بود. در زمان مهدی سومین خلیفه عباسی، سازمانی برای رسیدگی و مراقبت از کبوتران نامه‌رسان به وجود آمد و کبوتران اخبار مهم را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر می‌بردند. خبر گرفتاری بابک خرم‌دین را کبوتر نامه‌بری برای معتمد عباسی به سامرا برد (۲۸). برخی نامنی راه‌ها را در آن دوران، علت استقبال خلفای عباسی از کبوتران نامه‌رسان می‌دانند و معتقدند که بریده‌های زمینی اکثراً دچار راهزنان و جاسوسان می‌شدند و نامه‌هایی

رحیل» که حاکی از خبر حرکت قافله‌ها بوده است و «طبل سوم عسس» که نیم‌شب می‌زدند و خبر از ممنوع‌بودن حرکت مردم در کوی و برزن می‌داده و «طبل واپس» که خبر از عزاو ماتم می‌داد و در اوقات عزاداری و عاشورا نواخته می‌شده است (۲۶).

در زمان قاجاریه چون یک ساعت از شب می‌گذشت «طبل خبردار» می‌زدند. وقتی دو ساعت از شب می‌گذشت «طبل برچین» می‌زدند که دکان‌داران آگاه شوند و بساط خود را برچینند و دکانها پربند. سه ساعت که می‌گذشت «طبل بگیر و ببند» زده می‌شد و شیور ارگ به صدا در می‌آمد که خبر از بسته‌شدن درها می‌داد و جز گزمه‌ها در کوی و برزن کسی دیده نمی‌شد. (۲۷)

○ پرنده‌گان

اهمیت پیام‌رسانی و خبرگیری باعث شده است که انسان در طول تاریخ، عطش خبرگیری و خبردهی خود را با ساختن اسطوره‌ها و افسانه‌ها فرو نشاند. او در قالب افسانه، کلاغ و سیمرغ و هدهد را مأمور ردوبدل کردن اخبار کرده است و در عالم واقعیت «کبوتر نامه‌رسان» را.

بر اساس متون تاریخی، سابقه استفاده از کبوتر برای خبرگیری به واقعه معروف طوفان نوح برمی‌گردد. امین‌ابن‌الصلت شاعر عرب، واقعه طوفان را به نظم کشیده است و در منظومه خود اشاراتی هم به کبوتر پیام‌رسان آن واقعه کرده است:

پس گفته شد که فرو آی که سفینه تو را
بر قله کوهی بلند که لنگر گاهی است بساز
آورد

وز پس هفت‌روز، کبوتر را روانه کردند

کبوتر پس از چندین تک و پوی

شاخه‌ای بریده آورد که گل‌ولای بر آن بود

و چون آن نشانه‌ها را دریافتند برای کبوتر

طوقی ساختند به گونه گردن‌بند..... (۲۸).

گفته‌اند که از حدود سه‌هزار سال پیش، ایرانیان و یونانیان و رومیان و مصریان به توانایی کبوتر در رساندن نامه از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر پی برده بودند و از آن به عنوان مناسبترین وسیله استفاده می‌کردند. به نوشته پروکوپئوس، محاصره‌شدگان ایرانی قلعه «پترا»



بود و چند روز پیش از چهلین نظامی در پهنه کشورهای مفتوحه خود استفاده می کرد. از بررسی ادبیات ایران نیز می توان استنباط کرد که کیبوتر نامرسان همیشه در زندگی مردم حضور داشته است:

«امیر تیمور، سیزدهم شوال خمس و تسعین و سبع مائه عنان عزیمت به سوی بغداد منعطف گردانید و چون به مزار فیاض الانوار شیخ ابراهیم یحیی قدس سره رسید، شرایط زیارت به جای آورد و از ساکنان و جساوران آن بقعه استفسار نمود که: کیبوتر به بغداد فرستاده اید و از حال ما خبر داده اید؟ ایشان گفتند: بلی (۳۲)»

در فرهنگها و متنیهای ادبی و تاریخی از «کیبوتر رسانه» به نامهای مختلفی یاد شده است که از آن جمله اند: کیبوتر نامه، کیبوتر نامه بر، مرغ نامه بر، مرغ نامه آور، کیبوتر نامرسان، کیبوتر قاصد و کیبوتر رایلی.

در قرون اخیر هم از کیبوتران نامرسان به فراوانی استفاده می شد. در انقلاب فرانسه بخش بزرگی از اخبار روزنامهها را کیبوتران جمع آوری می کردند و در سال ۱۸۴۹ میلادی در پی آسیبی که به خط تلگراف میان برلن و بروکسل وارد آمد، مسئولیت رساندن خبرهای فوری به عهده کیبوتران گذاشته شد. در جریان جنگ جهانی اول، کیبوترنامه رسانی پیامی را در مدت ۲۵ دقیقه در یک مسافت ۳۹ کیلومتری برده بود وقتی به مقصد رسید، یک پایش به وسیله گلوله از میان رفته بود و سینه اش نیز در اثر تیراندازی مجروح شده بود، در سال ۱۹۵۶ میلادی آخرین کیبوتران نامه بر ارتش آمریکا به معرض فروش گذاشته شدند و وسایل الکترونیک جایگزین آنها گشتند (۳۴).

○ انسان

با وجود امکانات مختلف خبر رسانی و خبرگیری، انسان همواره جزو مهمترین «رسانه»ها مطرح بوده و در طول تاریخ با عنوانها و مسئولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداخته است. فعالیت انسان را در این رهگذر می توان در سه بخش عمده مورد بحث قرار داد، به این معنی که انسان به عنوان یک رسانه، یا نقش خبر رسانی داشته است، یا نقش خبرگیری و یا هر دو.

در زمره خبررسانان می توان پیکها، قاصدها،

آنگه یا خنوبه شالشتند، به نسبت نامرسان می افتاد و پیامی که باید محرمانه می ماند، بر ملا می شد. گاهی بازرگانانی که به شهرها نزدیک می شدند، کیبوتران را جلوتر می فرستادند تا خبر رسیدن کاروان را به بازرگانان آن شهر بدهند. حتی در موقع احساس خطر، کاروانیان به وسیله کیبوتر به شهرها خبر می دادند و کمک می طلبیدند.

دائمه استفاده از کیبوتر در قرن چهارم هجری بسیار گسترده بود. در زمان نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی وقتی «ماکان کاکي» شورید بود، اسکافی دبیر، گزارش شکست او را برنامه ای نوشت و بر بال کیبوتری بست و به سوی نصر فرستاد. حامد بن عباس وزیر را با نامه ای به حضور خلیفه احضار کردند که با کیبوتر فرستاده شده بود. و آورده اند که وقتی قرامطه به شهر «انبار» رسیدند، مقتدر خلیفه خواستار اخبار آنان بود، ابوعلی بن مقله کیبوترهای نامرسان به انبار فرستاد و از آنجا به موقع اخبار به وسیله کیبوتران به خلیفه می رسید. در سال ۳۲۱ هجری هم این قرابه توانست خبرهای کوفه را

از دست قرامطیان به ابن مقله برساند. در قرن چهارم هجری، شبانه روز پیامهایی از «رقه» و موصل به بغداد و واسط و بصره و کوفه می رسید. «محمد بن عمر علوی در بغداد کیبوتران کوفی و در کوفه کیبوتران بغدادی داشت، روزی نزد وزیر نشسته بود، خبر رسیدن فرستاده قرامطیان به کوفه واصل شد و محمد دستور مقتضی به حکمران کوفه ارسال کرد و در همان جا نشسته بود که خبر وصول و اجرای دستور از کوفه بازگشت و این اخبار و فرامین جملگی به وسیله کیبوتر قاصد انجام گرفت» (۳۲)

در دوره آل بویه نیز استفاده از کیبوترنامه بر رواج داشت و استفاده از آن مختص خلفا و پادشاهان بود. هنگام ورود قاصد و نماینده قرامطیان به کوفه، عضدالدوله در بغداد به ابوالحسن علوی دستور داد به پیشکاران او در کوفه اطلاع دهند که از رسول قرامطه به خوبی پذیرایی کنند. ابوالحسن نامه ای با کیبوتر فرستاد و چند ساعت بعد جواب آن را که کیبوتر آورده بود، دریافت کرد. در قرن ششم هجری در بغداد یک نظام پستی به وسیله کیبوتران برقرار

اسکدارها، ایلچیها و شاطرها را نام برد، و در شمار خبردهان، جاسوسان و منیان و سخن چنان و مشرفان را، صاحبان برید و چاپار هر نقش دوگانه خبر رسانی و خبردهی داشته اند اگر چه این تقسیم بندی مطلق نبوده و فراوان اتفاق می افتاده است که هر یک از عنوانهای بالا نقش دوگانه ای داشته باشند. اینک نقش رسانهای انسان را در مسئولیتهای خبر رسانی مرور می کنیم.

الف) پیک: پیکاز کلمه اوستایی «پدیکا» به معنی پیاده رونده مشتق شده است (۳۵) و صاحب آنندراج گوید: «پیک مرکب از «پی» به معنی قدم و کاف نسبت است چرا که این مردم ر بیشتر سرو کار به پای باشد». ظاهراً سابقاً تاریخی پیک بیش از دیگر رسانههاست، زیر واژههایی مثل «پیک خورشید» خبر از قدمتی دیرینه می دهد و در قلمرو اساطیر، افسانههای فراوانی است که پیکها واسطه فرستادن پیامهای نویدبخش و هشدار دهنده بین بازرگانان از افسانهها هستند و یا خبری و موهبتی را از جهانی به جهان دیگر می برند. از جمله «ویوسونت برای آدمیان آتش را تهیه کرد و ب وسیله «پیک» خود ماتریشون، آن را از جهان دیگر برای آنان فرستاد تا رابطه نزدیکتری میان آدمیان و خدای برقرار کند.» (۳۶)

در دوران تاریخی نیز پیکها از اهمیت و اعتبار فراوانی برخوردار بوده اند و از بین سردمان پاک طینت و راستگو و توانا برگزیده می شده اند. پیکها معمولاً راههای طولانی را سوار یا پیاده و سرعت طی می کردند تا پیغامها و نامهها و احکام را به ولایات برسانند. پیکهای پیاده معمولاً از بیراهه می رفتند و بیراهه را به دو منظور انتخاب می کردند، اول به جهت اینکه راه را میان بر طی کنند و از مسافت بکاهند، دوم به جهت اینکه از خطر راهزنان و جاسوسان در امان باشند و مأموریت خویش را در حد کمال به انجام رسانند (۳۷). در دوران اسلامی نیز پیکها اهمیت خود را حفظ کردند و گزارشها و اخبار مهم را به ولایات می رسانند (۳۸). معروف است که نخستین پیک پیاده را در ایران اسلامی معزالدوله دیلمی به کار انداخت تا به وسیله آن هر چه زودتر اخبار بغداد را به برادرش رکنالدوله برساند (۳۹).

خواججه نظام الملک در سیاست نامه فصلی را با نحوه فرستادن پیکها اختصاص داده گوید: «ب چندان راه معروف پیکان مرتب باید نشانند و مشاهره و مرسوم ایشان پدیدار باید کرد. چون چنین بود، در شبانه روزی از پنجاه فرسنگ را، هر خبری که باشد و هر چیزی که حادث شود می رسد، ایشان را بر عادت گذشته نقیبان باشند که تیمار دارند تا از کار خویش فرومانند» (۴۰).

ب) قاصد: قاصد ظاهراً معرب پیک است زیرا وظیفه اش همان وظیفه پیک است. با ایز تفاوت که در حرکت قاصد تأکیدی بر سرعت زیاد او نیست.

ج) اسکدار: پیک سریع و سوار را اسکدار،

● جاسوسی از قدیمترین ایام در جوامع بشری رواج داشته است. جاسوس، مأمور مخفی بوده است که به هر شکل ممکن از تواناییها، امکانات و وضعیت دشمن اخباری کسب می کرده و به ولینعمت خویش می داده است.

دور دست می فرستادند. شاطرها برای اینکه مأموریت خود را سریعتر انجام دهند و پیامها و نامهها را زودتر به مقصد برسانند، از میانه دشت و صحرا بیراهه می رفتند و چون به آب و آذوقه دسترسی نداشتند، همیشه یک ساج نان پزی، یک کوزه کوچک آب و مقداری آذوقه بر پشت خود بسته همراه داشتند. شاطرها می توانستند به مقام استادی نیز برسند. آنها برای احراز این مقام، باید از طلوع آفتاب تا غروب دوازده مرتبه فاصله بین میدان عالیقاپو و کوهی در ۶ کیلومتری بیرون شهر اصفهان را بدون توقف طی می کردند.

بعد از صفویه نیز شاطرها را در دربار و دستگاه حاکمان و امیران نگاه می داشتند. شاطرباشی معروف دوره ناصرالدین شاه قاجار، حاج محمد قلیخان صارم الملک بود که در سال ۱۲۹۷ درگذشت و پسرش فضل الله خان پس از او به منصب شاطرباشی رسید (۴۷).

○ خبرگیری

از قدیم پادشاهان و خلیفهها برای آگاهی از اوضاع کشورها و قلمرو خویش و کنترل کارگزاران و مردم، مأمورانی را مخفی یا علنی به ممالک و ولایات اعزام می کردند تا احوال دیگر پادشاهان و حرکتهای اخلاگرانه و نامناسب حاکمان یا شورش و عصیان مردم را به اطلاع دربار برسانند. اگرچه کار همه آنان تقریباً یکسان بود، اما در تاریخ با نامهای مختلفی از آنها یاد شده است.

۱) **جاسوس:** جاسوسی از قدیمترین ایام در جوامع بشری رواج داشته است. جاسوس، مأمور مخفی بوده است که به هر شکل ممکن، از تواناییها، امکانات و وضعیت دشمن اخباری کسب می کرده و به ولینعمت خویش می داده است تا او بتواند بر اساس آنها در مواجهه با دشمن برنامهریزی کند. به روایت اسطورهها ضحاک لشکری از جاسوسان در اختیار داشت که «کندرو» از جمله جاسوسان او بود. هنگامی که فریدون به سفره نشسته بود، کندرو خود را به چادر او رسانید و کلیه تجهیزات فریدون را به خاطر سپرد و از درگاه فریدون گریخت و گزارش کامل مشهودات خود را به ضحاک داد (۴۸).

و «یمه» - اولین مرد اساطیری روی زمین - در جواب خواهرش «یمی» - اولین زن اساطیری

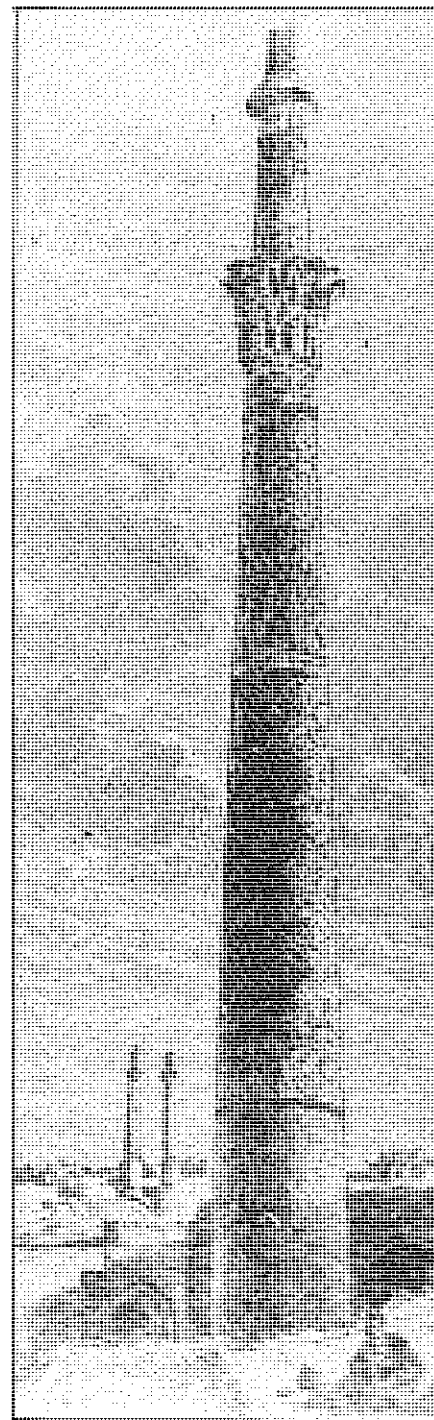
از مشخصات بارز او بوده است. بیهقی او را در مأموریتی مهم و فوری با «قاصد مسرع» همراه آورده است (۴۳). چنین بر می آید که اخبار بسیار با اهمیت و سری و اسباب گرانبها و قیمتی را بموسیله اسکدار از جایی به جایی می فرستادند. در تاریخ بیهقی موارد متعددی آمده است که از کیسه مهر و حلقه (پلمب) دار اسکداران نام برده است (۴۴). «پس از نماز دیگر پیش امیر نشسته بودم، اسکدار خوارزم به دیوان آورده بودند حلقه برافکنده و برادر زده، دیوانیان دانسته بود که هر اسکداری که چنان رسد سخت مهم باشد...» (۴۵).

د) ایلچی: وظیفه ایلچی سرپرستی هیئتهای اعزامی خبررسانی و رساندن پیامهای حکومتی بود. گاه از او به عنوان پیغام رسان و نامه بر نیز یاد شده است.

ایلچی را عثمانیان «سلام آقاسی» می گفتند و زمانی که کریم خان زند در «سیلاخور» اقامت داشت، عمر پاشا والی بغداد، با اجازه دولت عثمانی سفیری را به نام محمد آقا سلام آقاسی به حضور وکیل فرستاد و او «نامه عبودیت ختامه» را به نظر کریم خان رسانید. ایلچیان چپارانی را نیز برای مأموریت خود همراه داشتند. در مجمع التواریخ از یک ایلچی معروف به نام عبدالله بیگ کلهر یاد کرده اند (۴۶).

ه) شاطر: ظاهراً حرفه شاطری در زمان صفویه ظهور و بروز پیدا کرده است. از آن دوران کسانی که توانایی و بضاعتی داشتند، هرگاه سواره به جایی می رفتند یک یا چند نفر فراش پیاده که «شاطر» نامیده می شدند، پیشاپیش اسبشان می دویدند تا هم راه را باز کنند و هم نشانه مقام و شخصیت ارباب خود باشند. شاهان و درباریان هم برای خود شاطرهای فراوانی داشتند.

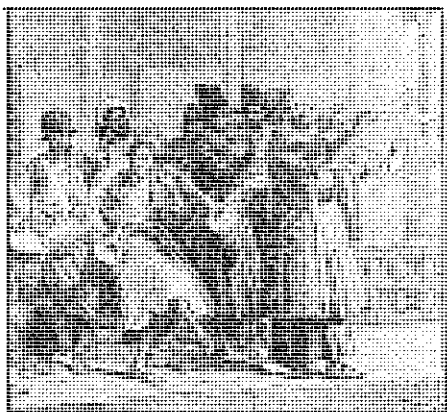
شاطران، معلمان و استادانی داشتند که از کودکی مشق سریع و طولانی دویدن و دیگر ورزشهای لازم را به آنها می آموختند. این افراد در سن ۱۸ سالگی قادر بودند کیلومترها بدوند. این توانایی شاطرها، علاوه بر جنبه تشریفات و همراهی اربابان، آنان را به عنوان پیکهای سریع برای فرستادن اخبار و پیام نیز مساعد می کرد و اربابان و پادشاهان و درباریان آنها را به مأموریتهای طولانی و شهرهای



گفتند و او پیکی بود که در فاصلههای معین راه توشه و اسبی آماده و آسوده داشت که چون هدر دادن وقت، از اسبی بر اسب دیگر میند و راه را به سرعت طی کند، چون اسکدار بد تا آخرین سرعت طی طریق می کرد و مدام روی اسب در جست و خیز بود، به همین علت شکم بسته داشت تا زور صعب به او نرسد (۴۱).

خی هم اسکدارها را پیکهای آسوده بر سر هر زلی دانسته اند که نامهها را از پیکهای از راه سیده خسته می گرفتند و به پیکی دیگر برساندند. این اسکدارها نیز شکم بسته شدند (۴۲).

سرعت و حرکت اسکدار همواره مورد تأکید و



روی زمین - که او را به ارتکاب گناه خوانده بود، گفت: جاسوسان خدایان که جهان را می‌پمایند، هرگز نمی‌آرامند و هرگز نمی‌خوابند (۴۹).

پادشاهان هخامنشی قلمرو وسیع خود را به کمک جاسوسان حفظ می‌کردند و شعبه‌های جاسوسی در تمام ممالک تابعه هخامنشی دایر بود و جاسوسان اخبار را توسط دبیر و گاو مستقیم به مرکز می‌فرستادند. در اوایل دوره هخامنشی سالی دومرتبه مأمورانی که طرف اعتماد شاه بودند و به قول هرودت و گزنفون به آنها «چشم و گوش شاه» می‌گفتند، برای تفتیش به ممالک اعزام می‌شدند. پادشاهان برای یاری رساندن به جاسوسان و دادن قدرت اجرایی به آنها، چند مأمور نظامی هم با جاسوسان روانه می‌کردند تا دستورهای جاسوسان را فوراً اجرا کنند (۵۰).

در زمان ساسانیان هرگاه شاه فرستاده‌ای نزد پادشاهی می‌فرستاد، جاسوسی را نیز به دنبال او روانه می‌کرد که حرکات سفیر را زیر نظر داشته باشد و اگر ناهنجاری در او دید، به دربار گزارش کند (۵۱).

در دوران اسلامی هم از جاسوسان و خبرگیران در جنگها برای کسب اطلاعات از دشمن، استفاده می‌شد. حضرت محمد (ص) در آستانه جنگ احد چندتن را برای خبرگیری به سپاه قریش فرستاد. آنان در محلی به نام «ذوالخلیفه»، به طور ناشناس وارد سپاه دشمن شدند و از کنارهای احد مخفیانه از دشمن جدا شده، اطلاعات لازم را برای سپاه آوردند. دو نفر دیگر هم به نام «انس» و «مونس» برای پی بردن به وضعیت نیروها و روحیه دشمن به میان آنها روانه شدند. با کسب این اطلاعات، پیامبر مردان خود را به صورت یک سپاه منظم - چه از نظر نظامی و چه از نظر روانی - در آورد (۵۲).

خواجہ نظام الملک لزوم جاسوس را در مملکت این گونه بیان کرده است: «باید که به همه اطراف همیشه جاسوسان روند برسبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و دارو فروران و درویشان، و از هر چه می‌شنوند خبر آورند تا هیچ گونه از احوال چیزی پوشیده نماند و اگر چیزی حادث شود و تازه گردد، به وقت خویش



تدارک آن کرده آید. چه بسیار وقت بوده است که والیان و مقطعان و گماشتگان و امرا، سرعصیان و مخالفت داشته‌اند و بر پادشاه بدسگالیدند و چون جاسوس برسید و پادشاه را خبر داد، در وقت پادشاه برنشته‌است و تاختن برده و مفاجا برسر ایشان فرو شده است و عزم ایشان باطل کرده...» (۵۳).

عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر هم درباره اهمیت جاسوسی و اطلاع از احوال ملوک عالم، این گونه به پسرش گیلان شاه توصیه کرده است: «پس باید که بر همه احوال ملوک عالم مطلع باشی و حالها به خداوند خویش همی نمایی تا از دوست و دشمن ایمن باشی و حال کفایت تو معلوم شود خداوند تو را...» (۵۴).

جاسوسی در زمان صفویه هم از اهمیت زیاد برخوردار بود. شاه عباس بیش از همه به امر جاسوسی و کسب اطلاع از گوشه و کنار مملکت اهمیت می‌داد و به سفیران و مأمورانی که به دربار بیگانه می‌فرستاد، مخصوصاً سفارش می‌کرد که از طرز حکومت و رفتار و گفتار پادشاهان، بسرایش اطلاع دقیق و درست بفرستند. در هنگام جنگ نیز شاه عباس همیشه جاسوسانی به اردوی دشمن می‌فرستاد تا از مقدار سپاه و نوع اسلحه و نقشه‌ها و سایر اطلاعات نظامی او را آگاه کنند (۵۵). دربار صفوی همه گونه اطلاعات مربوط به نقاط مختلف مملکت را جمع‌آوری می‌کرد و در عین حال همه ولایات، مطالعات اختصاصی خود را در اوضاع و احوال ادامه می‌دادند (۵۶).

۲) منهی: منهیان و خبرنگاران و خبر گزاران و صاحب‌خبران و سخن‌چینان اگر چه نامهایی متفاوت داشته‌اند، اما مسئولیت همه کسب خبر و اطلاع آن به دربار یا مرکز حکومت بوده است. ظاهراً این رسانه‌ها تفاوتی که با جاسوسی داشته‌اند این بوده است که از چگونگی اوضاع داخلی مملکت کسب اطلاع می‌کردند و لسی

● چاپار همان کار اسکدار را انجام می‌داده است، با این تفاوت که سابقه تاریخی چاپار بیشتر است و کارش صرفاً بردن اخبار نبوده، بلکه مأمور گرفتن و آوردن خبر نیز بوده است.

● هرودت چاپارهای زمان هخامنشی را «اگ گوردی» نامیده و گفته است: «نمی‌توان تصور کرد جنبنده‌ای سریعتر از آن حرکت کند»، گزنفون هم گفته است: «می‌گویند دُرنا هم نمی‌تواند به سرعت چاپارها حرکت کند».

اطلاعات آنان الزاماً سیاسی نبود. این اشخاص هم، در گذشته از معتمدان و به مثابه رکنی از ارکان سلطنت و خلافت بوده‌اند. منصور خلیفه عباسی می‌گفت: «بیش از هر کس به چهار مأمور نیازمندم. اول قاضی بی‌پروا که جز خیر عدالت چیزی در نظر نیاورد. دوم رییس نظمیه‌ای که داد ستم‌دیده را از ستمگر بگیرد سوم تحصیلداری که مالیات عادلانه بگیرد سپس سه بار گفت: آه! آه! آه! سبب را پرسیدند گفت: چهارم منهی که اخبار و عملیات این س نفر را به درستی گزارش دهد» (۵۷). سیاست‌نامه آمده است که: «واجب است پادشا را از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش پرسیدن و اندک و بسیار آنچه رود، دانستن، اگر نه چنین کند، عیب باشد و بسر غفلت ستمکاری حمل نهند...» (۵۸).

۳) مشرف: مشرف نیز عنوانی بوده است که در رابطه با خبرگیری در تاریخ مطرح شده است مشرف کسی بود که مورد اعتماد کاملاً پادشاهان بود و در دیوان اشراف می‌نشست اخباری که از حدود و ثغور می‌رسید در دیوان اشراف جمع و مرتب می‌شد و به وسیله مشرف به اطلاع شاه می‌رسید. مشرف می‌توانست شخص به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کند و برای این منظور نایبی به شهرستانها بفرستد (۵۹).

و اما گفتیم که انسانهای رسانه، گناه نقش دوگانه‌ای داشتند، به این معنی که هم خبررسان بودند و هم خبرده. از این گروه دو عنوان همه معروفترند: چاپار و برید.

چاپار - مرحوم علی‌اکبر دهخدا چاپار را پیک و برید و پست و قاصد و نامه‌بر معنی کرده و توضیح «چپر» که صورت دیگری از چاپار است از قول آندراج گفته است: «شخصی که به حکم پادشاهان و امیران در هر منزل، سواری اختیارش قرار دهند تا با سرعت قطع راه کرد خبری ضروری را برساند». با بررسی شراید چاپار می‌توان حدس زد که چاپار همان کار اسکدار را انجام می‌داده است، با این تفاوت که سابقه تاریخی چاپار بیشتر است و کارش صرفاً بردن اخبار نبوده، بلکه مأمور گرفتن و آوردن خبر نیز بوده است. چاپار که مأموری دولتی بوده، از پیشینه تاریخی زیادی برخوردار است گزنفون آغاز کار چاپار را به زمان کورث



نامنشی نسبت داده است^(۶۰). چاپار براسبی نیز تک سوار می‌شد و در ایستگاههایی به «چاپارخانه»، اسب خود را با اسب تازه نفس گری می‌گذاشت و به سرعت پیش می‌رفت و پیام و نامه‌های را که به او سپرده شده بود، به قصد برساند. در زمان هخامنشی چاپارها به ر شبانه‌روزی در حرکت بودند. هرودت چاپارهای زمان هخامنشی را «آگ گاوردی» می‌نامید و گفته است: «نمی‌توان تصور کرد پدیده‌های سریعتر از آن حرکت کند»، گزنفون گفته است: «می‌گویند در نا هم نمی‌تواند به سرعت چاپارها حرکت کند»^(۶۱). چاپارها همی هم به این صورت عمل می‌کردند که به وقت پیام را به چاپارخانه بین راه می‌رساندند خود در چاپارخانه می‌ماندند تا چاپاری دیگر، را به مقصد برساند. به هر حال معلوم است که سرعت چاپارها بیار زیاد بوده و در قدیم یکی سریعترین رسانه‌های انسانی بوده است.

برید- برید شکل دیگری از چاپار و شاید نام چاپار است که پس از آمدن اسلام به آن، عربها آن را مصطلح کردند. «مشهور است که چون ایرانیان برای چابکی دم اسب چاپار را می‌سپردند، آن را «بریده دم» خواندند، عربها که به ایران آمدند، کلمه برید را به جای بریده دم برای قاصد راهوار استعمال کردند»^(۶۲).

اداره برید یا پست امروز از قدیم الایام در ایران و یونان وجود داشته و در زمان ساسانیان چنان اهمیتی برخوردار بوده است که شیروان فقط فرزندان خود را به ریاست اداره برمی‌گماشت^(۶۳). عنصر اصلی برید، مأموران برید بودند که باید اشخاص امانتدار و چالاک بوده‌اند تا نامه‌ها و احکام را بتوانند به سرعت و بدیل کنند. در نظام اسلامی اداره برید به یوان برید معروف شد و گویند که دیوان برید را معاویه بن ابی سفیان بنیان نهاد تا اخبار مالک به دستش برسد^(۶۴). این اقدام به شهادت مأموران او در عراق و مشاوران او در شام عام پذیرفت و در ابتدا برای این بود که دمشق یختخت با سرعت هر چه بیشتر از جریان کارها عراق و فارس و مصر مطلع شود^(۶۵). رییس یوان برید به «صاحب برید» معروف بود و او بود که مأموران برید را به ایالات و ولایات راهی

می‌کرد. مأموران برید علاوه بر رد و بدل کردن نامه و پیام، گزارش کاروانیان و عاملان و دیگر مأموران دولتی در ولایات را به مرکز می‌رساندند. آنها از راههای مخصوص آمد و شد می‌کردند. این راهها از مرکز خلافت به تمام نقاط مرزی اتصال می‌یافت^(۶۶). در میان راه به فاصله معین چاپارخانه‌هایی دایر بود که در آنجا اسب یا شتر برید عوض می‌شد. عربها بیشتر با شتر می‌رفتند و ایرانیها اسب و استر داشتند.

در زمان عباسیان ۹۳۰ جاده مخصوص بریدها ساخته شده بود و سالی ۱۵۹۱۰۰ دینار به مصرف مأموران برید می‌رسید. مأموران برید معمولاً زنگوله‌ها و زنجیرهایی بر گردن ستوران و اسبان می‌بستند که صدایی مخصوص داشت و به «آهنگ چاپار» معروف بود. گاه اخبار دیوان برید را با پیک پیاده می‌فرستادند که به آنها «ساعی» می‌گفتند. ساعیان معمولاً مردم صحرائشینی بودند که سریعتر می‌توانستند نامه و پیام را به مقصد برسانند. در زمان معزالدوله دیلمی دوساعی به نامه‌های «فضل» و «مرعوش» بودند که روزی چهل و چند فرسخ پیاده می‌رفتند^(۶۷). به نوشته جرجی زیدان دسته‌ای از مأموران را «شعودی» و دسته دیگر را «کوهبانی» می‌گفتند. شعودیها پیام امیران را به اداره برید می‌رساندند و دسته دوم هم خبر گزار بودند. عده‌ای هم مأمور گشودن کیسه‌ها بودند. معمولاً نامه‌ها را در کیسه چرمی می‌گذاشتند و سر آن را مهر و موم می‌کردند و مهر کیسه در حضور گیرنده نامه‌ها و یاجانشین او توسط مأموران مخصوص برید گشوده می‌شد^(۶۸).

مسلم است که رسانه‌ها به موارد یساده شده خلاصه نمی‌شدند، بلکه هر امکان بالقوه‌ای می‌توانست برای آدمیان کنجگاو و تشنه آگاهی، یک رسانه باشد. سنگ نگاره‌هایی که از قدیم بر کنار شاهراهها باقی مانده‌اند، رسانه‌هایی بودند که خبر پیروزیهای پادشاهان را به رهگذران می‌رساندند. گاه اتفاق می‌افتاد که نامه‌ای را درنی میان تهی می‌گذاشتند و بر روی آب رودخانه رها می‌کردند و گاه تیری رسانه‌ای می‌شد و نامه‌ای را که به آن بسته شده بود، به بیرون قلعه و دژ محاصره شده می‌برد^(۶۹).

حفاظت آثار باستانی ایران، ص ۱۸.
۱۲) ایران باستان (کتاب ششم)، حسین پیرنیا، کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۴۹۳.
۱۳) نقل قول از مرحوم دکتر عباس زمانی، استاد باستانشناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران.
۱۴) تاریخ علم در ایران، دکتر مهدی فرشاد، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶، ج ۲ ص ۱۷۳.
۱۵) گفتنامه، ذیل حرف دوم.
۱۶) جوامع العکابیات، سیدالدین محمد عوفی، به کوشش دکتر جعفر شمار، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۷۱.
۱۷) جوامع العکابیات، ص ۲۷۱.
۱۸) مجله فرسیهای تاریخی، سال ۲، ش ۵، دکتر عبی بهنام، ص ۷۲.
۱۹) گفتنامه، ذیل حرف دوم.
۲۰) تذکره الملوک، به کوشش دکتر سید محمد دبیر سیاقی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۱.
۲۱) تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، م. ا. دادانامی، ترجمه میر کمال نسیری، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۱.
۲۲) تذکره الملوک، ص ۲۸.

۲۳) مطالب مربوط به بقا به عنوان آزاد و خلاصه از مقاله «بقا» کوبی» نوشته جیبی ذکا، جعفر و مردم، ش ۱۸۰، ص ۴۹-۲۹ (برداشت شده است).
۲۴) اخبار ایران از الکامل ابن اثیر، ص ۲۶۰.
۲۵) رسوم دار الخلافه، ابو الحسن بلال بن محسن ماسی، تصحیح و تحشیه سخیل عواد، ترجمه محمد رضا شمیمی کدکنی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
۲۶) گفتنامه، ذیل حرف دوم.
۲۷) اختر و مردم، ش ۱۸۰، ص ۴۸.
۲۸) آفرینش و تاریخ، ص ۱۹.
۲۹) رک: راه و بار، انتشارات شرکت تحقیق و انتشار مسایل حمل و نقل ایران، جلد اول، دفتر سوم، ص ۲۱۷.
۳۰) رک: تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه غنی جواهر کلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۸۷.
۳۱) راه و بار، ص ۲۱۷.
۳۲) راه و بار، ص ۳۱۹. به نقل از تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری.
۳۳) راه و بار، ص ۳۳۵. به نقل از روضه الصفا.
۳۴) راه و بار، ص ۳۱۶. لازم به یادآوری است که اکثر مطالب مربوط به کبوتر نامهران از تفسیر راه و بار به طور آزاد و خلاصه اقتباس شده است.
۳۵) گفتنامه، ذیل حرف و پ.
۳۶) نخستین انسان و نخستین شهرها، آر نور کریشتن، ترجمه و تحقیق احمد تفسلی و زاله آموزگار، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۸۶.
۳۷) تاریخ نظامی ایران، دکتر خانبابا بیانی، انتشارات ستاد بزرگ ارتشاران، تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۲۹.
۳۸) نظام حکومت ایران در دوره اسلامی، دکتر غلامرضا وهرام، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۸۸.
۳۹) تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۷.
۴۰) سیاستنامه، خواجه نظام الملک، به کوشش مرتضی مدرس، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۰۲.
۴۱) گفتنامه، ذیل حرف و الف.
۴۲) همان.
۴۳) تاریخ بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تصحیح دکتر علی کبیر قیاض، دانشگاه شهید، ۱۳۵۵، ص ۷۸۱.
۴۴) رک: تاریخ بیهقی، ص ۶۰۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۵۱۳، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۸۹.
۴۵) تاریخ بیهقی، ص ۴۰۶.
۴۶) مجله مردمشناسی، انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور، ۱۳۳۷، ص ۴۷.
۴۷) جیبی ذکا، ص ۱۵۰-۱۳۴.
۴۸) اساطیر ایرانی، ا. جی. کارنوی، ترجمه دکتر احمد طباطبایی، انتشارات اینکوز، تهران، ۱۳۴۱، ص ۸۷.
۴۹) نخستین انسان و نخستین شهرها، ص ۲۸۸.
۵۰) ایران باستان (کتاب ششم)، ص ۱۴۷۰.
۵۱) رک: عهد اردشیر، استاد احسان عباس، ترجمه محمد علی امام شوشتری، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۰۶.
۵۲) تاریخ سیاسی اسلام، صادق آیینوند، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۵، ص ۷۴.
۵۳) سیاستنامه، ص ۸۷.
۵۴) گزیده قابوسنامه، عنصر المعالی کیکاویس اسکندر، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۷۰.
۵۵) تاریخ نظامی ایران، ص ۱۳۰.
۵۶) سیاست و اقتصاد عصر صفوی، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۶۷، ص ۵۶.
۵۷) تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۴.
۵۸) سیاستنامه، ص ۷۳.
۵۹) رک: سیاستنامه، ص ۷۳.
۶۰) راه و ریاضت، ص ۷۴.
۶۱) ایران باستان (کتاب ششم)، ص ۱۴۹۲ و ۱۴۹۳.
۶۲) تاریخ تمدن اسلام، زیرنویس ص ۱۸۵ از مترجم کتاب.
۶۳) تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۶.
۶۴) تجارت السلف، هندو شاهین بنجرین عبدالله صاحبی نجفوانی، به اهتمام عباس اقبال، زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، ص ۵۹.
۶۵) تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۵.
۶۶) سیاستنامه، ص ۷۳.
۶۷) تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۷.
۶۸) همان، ص ۱۸۸.
۶۹) همان، ص ۱۸۷.

پانویسها:

- ۱) قرآن کریم، سوره ۱۴، آیه ۴۹.
- ۲) رک: آفرینش و تاریخ، معهد بن طاهر مقدسی، ترجمه محمد رضا نفیسی کدکنی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، ج ۳ ص ۸.
- ۳) گفتنامه، ذیل حرف و ج.
- ۴) قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۲۰۹.
- ۵) الواح سمری، سامول کریمی، ترجمه داود رسایی، انتشارات فراتکنین، تهران، ۱۳۴۰، ص ۳۰.
- ۶) گفتنامه، ذیل حرف و الف.
- ۷) یادواره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ذیل حرف دس.
- ۸) رک: سیر تاریخ، گردن چاپید، ترجمه احمد بهمنش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۵۵ و ۵۶.
- ۹) سیر تاریخ، ص ۵۶.
- ۱۰) اخبار ایران از الکامل ابن اثیر، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دبای کتاب، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۴.
- ۱۱) راه و ریاضت، محمد کریم پیرنیا، کرامتاله افسر، انتشارات سازمان مثنی

جیبی لایف کارشناس سازمان میراث فرهنگی است.